و [تنها] نسل او را باقى گذاشتیم. (77) و در میان آیندگان [آوازه نیک‌] او را بر جاى گذاشتیم. (78) درود بر نوح در میان جهانیان! (79) ما این گونه نیکوکاران را پاداش مى‌دهیم. (80) به راستى او از بندگان مؤمن ما بود. (81) سپس دیگران را غرق کردیم. (82) و بى‌گمان، ابراهیم از پیروان اوست. (83) آنگاه که با دلى پاک به [پیشگاه‌] پروردگارش آمد. (84) چون به پدر[خوانده‌] و قوم خود گفت: «چه مى‌پرستید؟ (85) آیا غیر از آنها، به دروغ، خدایانى [دیگر] مى‌خواهید؟! (86) پس گمانتان به پروردگار جهانها چیست؟» (87) پس نظرى به ستارگان افکند، (88) و گفت: «من کسالت دارم!» (89) پس پشت‌کنان از او روى برتافتند! (90) تا نهانى به سوى خدایانشان رفت و [به ریشخند] گفت: «آیا غذا نمى‌خورید؟ (91) شما را چه شده که سخن نمى‌گویید؟!» (92) پس با دست راست، بر سر آنها زدن گرفت! (93) تا دوان دوان سوى او روى‌آور شدند. (94) [ابراهیم‌] گفت: «آیا آنچه را مى‌تراشید، مى‌پرستید؟ (95) با اینکه خدا شما و آنچه را که برمى‌سازید آفریده است!» (96) گفتند: «برایش [کوره‌]خانه‌اى بسازید و در آتشش بیندازید» (97) پس خواستند به از نیرنگى زنند؛ و[لى‌] ما آنان را پست گردانیدیم. (98) و [ابراهیم‌] گفت: «من به سوى پروردگارم رهسپارم، زودا که مرا راه نماید!» (99) «اى پروردگار من! مرا [فرزندى‌] از شایستگان بخش.» (100) پس او را به پسرى بردبار مژده دادیم. (101) و وقتى با او به جایگاه «سعى» رسید، گفت: «اى پسرک من! من در خواب [چنین‌] مى‌بینم که تو را سَرْ مى‌بُرم، پس ببین چه به نظرت مى‌آید؟» گفت: «اى پدر من! آنچه را مأمورى بکن! ان شاء الله مرا از شکیبایان خواهى یافت.» (102)